

■ ■ عَيْنَ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۲۰-۱)

۱- ﴿ اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ و الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ و جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ ﴾ :

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
  - ۲) به راه خدای خود بوسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان بوسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
  - ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
  - ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!
- ۲- « لَا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِذَنَا مِنْ خُرَافَاتٍ نَعِيشُ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ! »:

- ۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!
- ۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از اینکه با خرافات زندگی نمائیم!
- ۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!
- ۴) نیرویی که می تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

۳- « إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَامًا مُنَاسِبًا لِفِكْرِهِ سَتُصْبِحَ قَدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ و الْعَمَلِ أَكْثَرًا! »:

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

۴- « لَا يَتْرِكُ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالذِّيهِمْ إِلَّا مَنْ يَعْتَقِدُ أَنَّهُمَا لَيْسَا بِحَاجَةِ إِلَيْهِ و هَمَا فِي صَحَّةٍ! »:

- ۱) فرزندان والدین خودشان را ترک نمی کنند مگر معتقد به این باشند که آنها در سلامتند و نیاز به او ندارند!
- ۲) از میان فرزندان فقط کسی والدین را ترک می کند که عقیده داشته باشد که آنان سلامتی دارند و نیازمند به او نیستند!
- ۳) تنها کسی در میان فرزندان پدر و مادر را ترک می کند که بر این عقیده باشد که آنان به او نیازمند نیستند و در سلامتند!
- ۴) از فرزندان فقط کسی پدر و مادرش را ترک می کند که معتقد باشد آنها به او نیاز ندارند و هر دو در سلامت هستند!

۵- « جَاءَ تَلَامِيذٌ إِلَى صَفْنَا يَدْعُونَنَا إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ! »:

- ۱) دانش آموزان به کلاس ما آمدند و ما را با سخنی زیبا به کار نیک فرا خواندند!
- ۲) دانش آموزانی که به کلاس ما آمدند ما را با کلام زیبا به کاری نیک دعوت می کردند!
- ۳) دانش آموزانی به کلاس ما آمدند که ما را با سخنی زیبا به کار نیک دعوت می کردند!
- ۴) دانش آموزان به کلاس ما آمدند و ما را با کلام زیبا به کاری نیک فراخواندند!

۶- « لِتَغْيِيرِ سُلُوكِنَا فِي الْحَيَاةِ يَجِبُ أَنْ نَكُونَ عَامِلِينَ بِمَا نَقُولُ و لَا نَقُولُ إِلَّا قَوْلًا سَدِيدًا! »:

- ۱) برای اینکه روشمان در زندگی تغییر کند لازم است که هر چه را گفته ایم عمل کننده باشیم و نگوئیم مگر کلام درست و محکم!
- ۲) برای تغییر دادن روشمان در زندگی باید به آنچه می گوئیم عامل باشیم و نگوئیم مگر سخنی درست و استوار!

- ۳) برای ایجاد تغییر در روش در زندگی به هر چه که گفته ایم عمل کنیم و نگوئیم مگر کلام درست و محکم!
- ۴) برای تغییر روش زندگیمان باید هر چه می گوئیم عمل کنیم و نگوئیم مگر سخنی درست و استوار!

۷- « رَبُّ كِتَابٍ يَتَفَحَّهُ الْقَارِئُ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا لَمْ يَكُنْ يَتَصَوَّرُهُ! »:

- ۱) چه بسا کتابی را خواننده ورق بزند و در او تأثیری بگذارد که تصورش را هم نکند!
- ۲) چه بسا خواننده کتابی را سریع مطالعه نماید ولی در او به گونه ای که تصورش را نمی کرد، تأثیر گذارد!

۳) چه بسا کتابی را خواننده تورق کند و در او به شکلی که تصورش را نمی‌کرد، اثر گذارد!

۴) شاید خواننده کتابی را صرفاً ورق بزند و در او طوری که تصورش را نکرده بود، تأثیر بنهد!

#### ۸- عین الخطأ:

۱) أَلَا إِنَّ الْكُتُبَ لَا تُغْنِيكَ عَنْ تَجَارِبِ الدَّهْرِ: آگاه باشید که کتاب‌ها شما را از تجربه‌های روزگار بی‌نیاز نمی‌کنند!

۲) هل يُوجَدُ عَمَلٌ أَمْتَعٌ مِنْ قِرَاءَةِ سِيرَةِ الْأَدْبَاءِ؟! آیا کاری لذت بخش‌تر از خواندن سرگذشت ادیبان یافت می‌شود؟!

۳) يُقَالُ إِنَّ الْعُقَادَ نَشَأَ فِي ظُرُوفٍ قَاسِيَةٍ! گفته می‌شود که عقاد در شرایطی جانکاه پرورش یافت!

۴) إِذَا طَرَحَ أَلْفَا كَاتِبَ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ أَصْبَحَتْ فِكْرَةً جَدِيرَةً بِالتَّأَمُّلِ! هرگاه هزاران نویسنده، اندیشه‌ای واحد را مطرح کنند، تبدیل به

اندیشه‌ای شایسته تأمل خواهد گردید!

۹- «لَمْ يُوَصَلِ الْعُقَادَ دِرَاسَتَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ الثَّانَوِيَّةِ وَلَكِنْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ الَّذِينَ كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ»: عقاد ...

۱) تحصیل خود را در مدرسه دوم ادامه می‌دهد ولی زبان انگلیسی را از جهانگردانی که به ممر می‌آیند یاد می‌گیرد!

۲) تحصیلش در مدرسه متوسطه ادامه نیافت اما انگلیسی را توانست از جهانگردانی که به مصر می‌آمدند، فرا بگیرد!

۳) تحصیلات متوسطه خود را ادامه نداد ولی زبان انگلیسی را به جهانگردانی که به مصر می‌آمدند، یاد میداد!

۴) تحصیلش را در مدرسه متوسطه ادامه نداد ولی انگلیسی را از جهانگردانی که به مصر می‌آمدند، یاد گرفت!

۱۰- «كَانَتْ ظُرُوفُ الْحَيَاةِ الْقَاسِيَةُ تُعَلِّمُ النَّامِنَ امْتِعَ التَّجَارِبِ وَ تُخْرِجُهُمْ مِنَ الْمَشَاكِلِ وَالصَّعُوبَاتِ»:

۱) شرایط زندگی سخت، تجربه‌های لذت بخشی را به مردم یاد می‌داد و آنان را از مشکلات و سختیها خارج می‌کرد!

۲) شرایط سخت زندگی، به مردم لذت بخش‌ترین تجربه‌ها را آموخته بود تا آنها را از سختی‌ها و دشواری‌ها خارج کند!

۳) لذت بخش‌ترین تجارب در اوضاع سخت زندگی به مردم آموخته می‌شد و آنان را از سختیها و دشواری‌ها بیرون می‌برد!

۴) اوضاع سخت زندگی، لذت بخش‌ترین تجربه‌ها را به مردم می‌آموخت و آنها را از مشکلات و دشواری‌ها خارج می‌ساخت!

۱۱- «أَعْرِفْ كُتَابًا قَدْ أَلْفُوا كِتَابًا مُفِيدَةً تَتَصَفَّحُهَا الْقَارِئُ فَتَزِيدُ مَعْرِفَتَهُ جَدًّا»:

۱) با نویسندگانی آشنا شدم که گاهی کتابهای سودمندی تألیف کردند که خواننده آنها را ورق می‌زند و شناخت او را بسیار زیاد می‌کنند!

۲) کتابهای سودمندی را می‌شناسم که نویسندگان تألیف کرده‌اند که خواننده آنها را ورق می‌زند پس واقعا شناخت او را می‌افزاید!

۳) نویسندگی را می‌شناسم که کتابهای سودمندی را نگاشته‌اند که خواننده آنها را ورق می‌زند پی بسیار بر شناخت او می‌افزاید!

۴) نویسندگانی می‌شناسم که کتابهای مفید را نوشته‌اند و خواننده آنها را ورق می‌زند و شناخت او را افزایش میدهند!

۱۲- «مَا كَانَتْ مَدْرَسَةُ ثَانَوِيَّةٍ فِي الْمَحَافِظَةِ الَّتِي وُلِدَ الْعُقَادُ وَ نَشَأَ فِيهَا » :

۱) در آن استانی که عقاد متولد و بزرگ شد دبیرستان نبود!

۲) در استانی که عقاد در آن به دنیا آمد و پرورش یافت دبیرستانی نبود!

۳) در استانی که عقاد به دنیا آمده و پرورش یافته بود مدرسه دیگری وجود نداشت!

۴) دبیرستانی که عقاد در آن پرورش یافت در استانی نبود که او به دنیا آمده بود!

۱۳- « مِنْ كَانَ لَهُ فِكْرٌ قَادِرٌ يَقْدِرُ فَهْمٌ مَا يَقْرَأُ مِنَ الْكُتُبِ »:

۱) کسی که فکر توانایی دارد فهمیدن آن کتابهایی که می خواند برایش مقدور است!

۲) هر کسی اندیشه اش توانمند باشد می تواند چیزی را از کتابها بخواند و درک کند!

۳) هرکس اندیشه توانمندی داشته باشد می تواند آنچه را که از کتاب ها می خواند، بفهمد!

۴) هرکس بتواند آنچه از کتاب ها می خواند بفهمد اندیشه توانمند از آن اوست!

۱۴- « الكتاب الذي يزيد معرفة الإنسان في الحياة و قوته على الفهم والعمل فهو جدیر بالعناية! »:

۱) اگر کتابی شناخت انسان را در زندگی و توان او را بر فهم و کار افزایش دهد شایسته توجه می باشد!

۲) کتابی شایان توجه است که درک انسان در زندگی و نیروی او را بر فهم و کار بیفزاید!

۳) کتابی که شناخت انسان را در زندگی و توانش را بر فهم و کار افزایش می دهد پس آن شایان توجه است!

۴) کتاب است که معرفت انسان را در زندگی و نیروی او را بر درک و کار افزایش می دهد و این موضوع قابل توجه است!

۱۵- عين الصحيح :

۱) الغيبة من الأسباب المهمة لقطع التواصل بين الناس :غيبت از مهمترین علت های قطع ارتباط میان مردم است!

۲) أشتغل في مؤسسة يتعلم الطلاب فيها العربية و الإنجليزية: در مؤسسه ای کار می کردم که دانش آموزان در آن عربی و انگلیسی یاد می

گرفتند!

۳) وصلتُ إلى القرية التي كانت جوها باردة جداً: به روستایی که هوایش خیلی سرد بود ، رسیدم!

۴) يجب أن أقرأ في موضوع البحث آراء عدة كُتّاب در مورد موضوع تحقیق بهتر است نظرات چندین نویسنده را بخوانی!

۱۶- عين الخطأ:

۱) تُعدُّ الكتبُ تجارب الأمم على مرِّ آلاف السنين :کتابها تجربیات ملتها در گذر هزاران سال به شمار می آیند!

۲) رُبُّ كتابٍ تجتهدُ في قراءته ثم لا تحصل على فائدة منه : چه بسا کتابی که در خواندن آن تلاش می کنی سپس فایده ای از آن به دست

نمی آوری!

۳) إذا طرَحَ ألف كاتب فكرةً واحدةً أصبحت ألف فكرة : اگر هزار نویسنده اندیشه یکسانی را مطرح کنند هزار اندیشه میشود!

۴) لاعمل أنفع وأمتع من قراءة الكتب المتعددة في الموضوع الواحد: کار سودمند و لذت بخشی مثل خواندن کتابهای متعدد در یک موضوع

وجود ندارد

۱۷- « از گردشگرانی که برای دیدن آثار تاریخی به شهرمان می آمدند انگلیسی آموخته ام! ». عين الصحيح:

۱) قد تَعَلَّمْتُ الإنجليزية من سائحين يأتون إلى المدينة لمشاهدة المعالم الأثرية!

۲) قد تَعَلَّمْتُ الإنجليزية من السياح الذين يأتون إلى مدينتنا لزيارة الآثار التاريخية!

۳) كان السائحون الذين قد جاؤوا إلى مدينتنا ليشاهدوا الآثار التاريخية تَعَلَّمْتُ الإنجليزية!

۴) كان السُّيَّاح الذين يأتون إلى بلدنا لزيارة الآثار التاريخية علَّموني الإنجليزية!

۱۸- « إرضاء الناس غاية لا تُدرِك ». عين غير المناسب للمفهوم:

۱) گل بی عیب وجود ندارد!

(٢) دهان مردم را نمی شود بست!

(٣) کام و دم مار و نیش کژدم بستن

بتوان، نتوان زبان مردم بستن!

(٤) خاطری چند اگر از تو شود شاد بس است زندگانی به مراد همه کس نتوان کرد!

١٩- «كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ!». عَيْنُ الْمُنَاسَبِ لِلْمَفْهُومِ:

(١) إِنَّ خَيْرَ الْكَلَامِ مَا يُمَكِّنُ فَهْمَهُ لِلنَّاسِ! (٢) إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَن كَلَامِكُمْ بَيْنَ النَّاسِ!

(٣) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْفَظُوا لِسَانَكُمْ أَمَامَ النَّاسِ! (٤) تَأَمَّلْ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ بِالْكَلَامِ أَمَامَ النَّاسِ!

٢٠- «برنامه ای را یافتم که مرا در آموختن عربی کمک می کند!» :

(١) حَاصِلْتُ عَلَى الْبَرْنَامِجِ الَّذِي يُسَاعِدُ فِي تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ!

(٢) رَأَيْتُ الْبَرْنَامِجَ وَهُوَ يُسَاعِدُنِي لِتَعَلِيمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ!

(٣) وَجَدْتُ بَرْنَامِجاً يُسَاعِدُنِي فِي تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ!

(٤) أَخَذْتُ بَرْنَامِجاً يُسَاعِدُ فِي تَعَلِيمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ!

■ ■ ■ إقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (٢١ - ٢٤) بما يناسب النص :

إِنَّ الْمِيزَانَ مِنْذُ الْقَدِيمِ حَتَّى الْآنَ وَسِيلَةٌ لَوْزَنِ الْأَشْيَاءِ وَهُوَ رَمَزٌ لِلْعَدْلِ وَالْمَسَاوَاةِ، وَتُسَمَّى الْقِيَامَةَ أَيْضًا يَوْمَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانَ. وَ قَدْ أَصْبَحَ شَعَارًا تَرْفَعُهُ الْمَحَاكِمُ فِي الْعَالَمِ بِالرَّغْمِ مِنْ كَوْنِهِ آتَةً بَسِيطَةً!

إِخْتَرَعَ الْإِنْسَانُ الْمِيزَانَ لِتَسْيِيرِ شُؤُونِهِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ. فِي الْبَدَايَةِ كَانَتِ الْمَوَازِينُ (ج مِيزَان) حَجْرِيَّةً بَسِيطَةً ثُمَّ تَوَسَّعَتْ اسْتِخْدَامَاتُهَا. فَقَدْ قَامَ قَدَمَاءُ الْمِصْرِيِّينَ بِصِنَاعَةِ مَوَازِينٍ مِنَ الْخَشَبِ تُعْلَقُ فِي أَطْرَافِهَا كَقَتَانِ.

و لِلْمَوَازِينِ أَنْوَاعٌ مُتَعَدِّدَةٌ، بَعْضُهَا مَدْرَجَةٌ يَسْتُخْدَمُهَا الْبِقَالُونَ. وَ فِي حِسَابِ الْأَوْزَانِ الثَّقِيلَةِ نَسْتُخْدَمُ الْقَبَانَ (قَبَان). وَ أَخِيرًا يُسْتُخْدَمُ النَّوْعُ الْإِلِكْتُرُونِي مِنْهُ وَ هُوَ عَلَى كِفَّةٍ وَاحِدَةٍ فَقَطْ!

٢١- عين الصحيح:

(١) نرى الميزان الإلكتروني كثيرا في الأسواق!

(٢) شعار المحاكم صورة الميزان و هو ليس بسيطا!

(٣) كان المصريون أول من قام بصناعة الموازين و لها كفتان!

(٤) نستخدم القبان للأوزان الثقيلة و له كفتان، و للموازين المدرجة كفة واحدة!

٢٢- عين الخطأ: الدقة في الحساب ...

(١) سبب لصحة بيعنا و شرائنا في المجتمع!

(٣) حصولنا عليها بواسطة الوسائل الخاصة!

٢٣- عين الخطأ: إن لم يكن الميزان ...

(١) يظهر الظلم و العدوان كثيرا!

(٣) تحصل للمحاكم مشاكل عديدة!

٢٤- عين الأقرب لمفهوم النص:

(١) ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾ (٢) ﴿أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ﴾

(٣) ﴿اعْدِلُوا، هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (٤) ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾

■ ■ ■ عين الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٢٥ - ٢٧)

٢٥- « توسَّعت »:

(١) فعل ماضٍ - تلغائية - حروفه الأصلية « و س ع » و مصدره « توسَّعت » / مفعوله ضمير «ها»

(٢) للغايبة - مزيد ثلاثي (مصدره: توسَّعت على وزن « تفعل ») / فعل و فاعله « استخدامات » و الجملة فعلية

- ٣) فعل ماضي - مزيد ثلاثي (مصدره: توسيع على وزن تفعيل) / فاعله «استخدامات» و مفعوله ضمير «ها»  
 ٤) للمخاطب - حروفه الأصلية «و س ع» و وزنه «تفعل» / فعل و فاعله «استخدامات» و الجملة فعلية  
 ٢٦- «يستخدم»:

- ١) للغائب - مزيد ثلاثي (من وزن «استفعل») / فاعله «البقالون» و مفعوله ضمير «ها» المتصل  
 ٢) مضارع - للغائب - حروفه الأصلية «س خ م» و وزنه «استفعل» / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
 ٣) للغائب - مزيد ثلاثي (ماضية: استخدم، مصدره: استخدام، على وزن «افتعال») / فعل و فاعله «البقالون»  
 ٤) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «افتعل» و مصدره «استخدام») { فعل و فاعله «البقالون» و الجملة فعلية  
 ٢٧- «البقالون»:

- ١) جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على صاحب الحرفة) - معرف بأل / فاعل لفعل «يستخدم»  
 ٢) اسم - جمع مكسر أو تكسير - اسم مبالغة (على وزن «فعل») - معرفة / فاعل لفعل «يستخدم»  
 ٣) جمع سالم للمذكر - على وزن فعّال (حروفه الأصلية: ق ل و) / فاعل، و حرف النون مفتوحة دائماً  
 ٤) اسم - جمع سالم للمذكر - اسم مبالغة (للدلالة على الآلة أو الوسيلة) - معرف بال / فاعل لفعل يستخدم «

### ٢٨- عين الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- ١) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهِدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً! (٢) الكأسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهَا الْمَاءُ أَوِ الشَّايُّ أَوِ الْقَهْوَةُ!  
 ٣) ازدادت هذه الخرافات في أديان الناس على مرّ العصور! (٤) قرّر أربعة طلاب أن يغيّبوا عن الامتحان فأتصلوا بالأستاذ!

### ٢٩- عن المفعول موصوفاً بالجملة:

- ١) أشكرك يا ربي بأن حسنت خلقي!  
 ٢) قد يأكل التمساح فريسة أكبر من فمه!  
 ٣) سجّل هدفك و أذهب إليه بقوة و إرادة!  
 ٤) أتعرف طائراً ينقر جذوع الأشجار لصنع العش!  
 ٣٠- عين مضارعاً يمكن أن يعادل «الماضي الاستمراري» في الفارسية:  
 ١) سنجد برنامجاً لك يُعينك في دروسك كلها!  
 ٢) شاهدت مناظر في طريق السفر يُعجبني جمالها!  
 ٣) العاقل يستشير الصادق في أموره حتى يُقرّبه من الحقائق! (٤) بعضنا يحدث بكل ما يسمع به، و هذا عمل غير صحيح!  
 ٣١- عين ما يدل على المستقبل المنفي:

- ١) لا تسألوا عن أمر ربكم... لن تتألوهُ أبداً! (٢) لا يستشير العاقل الكذاب، فهو سيكذب عليه أيضاً!  
 ٣) لا أريد أن أجلس في مكان سيختص بغيري غداً! (٤) لا أذهب إلى زميلك حتى يحكم بيننا لأنه ليس عادلاً!

### ٣٢- عين الصحيح عن الفعل المضارع:

- ١) لا تسمحو للأعداء أن يسيطروا عليكم!  
 ٢) اولئك الطلاب ليحاولون حتى يصلوا إلى أهدافهم!  
 ٣) إن الجاهلين يعارضون قبل أن يفهمون و يسمعون! (٤) الذين يتوكلون على الله تعالى لن ييأسون!  
 ٣٣- عين الكلمة الغريبة:

- ١) صنعتُ سِياجاً لمزرعتنا مع أخي،  
 ٢) بيدي و بيد أخي المُجدِّ،  
 ٣) و ترى أعيننا الأطراف بدقة،  
 ٤) و أقدامنا كانت في الحركة دائماً!

### ٣٤- عين ما ليس فيه وصف (صفة):

- ١) شاهدتُ صديقتي في شارعٍ كان قريباً من بيتنا!  
 ٢) عليك أن تتناول أتعمةً يحتاج إليها بدئك و روحك!  
 ٣) شجعوا أولادكم على القيام بالأعمال الحسنة، فهذا خيرٌ لهم!  
 ٤) صدمتني في طريق المدرسة سيارةٌ و هي كانت لحمل المرضى!

### ٣٥- عَيْنِ الوصفِ جُمْلَةً:

- ١) الشدّة و الرّخاء كظاهرتي الليل و النّهار نَحْتَارِجُ إِلَيْهِمَا فِي حَيَاتِنَا،
- ٢) وَ مَرَحِبًا مِمُّومَنٍ يَتَّبِثُ فِي هَاتَيْنِ الْحَالَتَيْنِ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْهُمَا،
- ٣) عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمُورِ لَيْسَتْ يَبْدُنَا وَ يَجِبُ أَنْ نَقْبَلَهَا،
- ٤) وَ إِنْ نُرِدُ أَنْ نُخَالِفَهَا لِنَتَخَلَّصَ مِنْهَا، رُبَّمَا تُصْبِحُ حَيَاتُنَا أَضْعَبَ!

### ٣٦- عَيْنِ النكرة الموصوفة بالجُمْلَة:

- ١) قَدْ أَصَبْتُ بِبِلَاءٍ كَانَ يُزْعِجُنِي حَقِيقَةً، (٢) تَأَمَّلْتُ فِيهِ وَ فِي سُبُلِ مُوَاجَهَتِهِ حَسَنًا،
- ٣) وَ رَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ أَفْضَلُ السُّبُلِ عَقْلًا، (٤) فَصَبْرْتُ وَ أَنَا أَشْعُرُ بِأَمِّ شَدِيدٍ فِي قَلْبِي!

### ٣٧- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَصْفٌ لِلنكرة:

- ١) كَانَ يُفْتَشُّ عَنْ عِيُوبٍ فِي النَّاسِ وَ قَدْ كَانَ مِثْلَهَا فِي نَفْسِهِ!
- ٢) يَرْجُو الْأَبْوَانَ لِأَوْلَادِهِمَا حَيَاةً كَرِيمَةً تَضْمَنُ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتَهُمْ!
- ٣) رَأَيْتُ مُؤْمِنًا لَا يَشْعُرُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ الْمَشَاكِلِ!
- ٤) أَحْزَنْتَنِي مَوْضُوعَ مَا كُنْتُ وَاجِهْتُهُ حَتَّى الْآنَ!

### ٣٨- عَيْنِ الوصفِ عَيْرِ جُمْلَةً:

- ١) أَلَّفَ الْعُلَمَاءُ كُتُبًا يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالتَّلَامِيذِ وَ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ!
- ٢) نُرِيدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَنْزِلَ سَكِينَةً تَنْفَعُنَا لِأَعْمَالِنَا!
- ٣) رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ لَا يُلْقَبُ أَصْدِقَاءَهُ بِالْقَابِ سَيِّئَةً!
- ٤) اسْتَمَعَ الطُّلَّابُ إِلَى إِنْشَاءِ يُنَبِّئُهُمْ بِآدَابِ الْجُلُوسِ فِي الصَّفِّ!

### ٣٩- عَيْنِ الفِعلِ مُعَادِلًا لِلْمَاضِي البعيد:

- ١) كَانَ الْمُعَلِّمُ يُفْنِعُنَا أَنْ نَقُولَ كَلَامًا لَيْنًا!
- ٢) قُلْتُ لِصَدِيقِي كَلَامًا يُعَيِّرُ سُلُوكَهُ فِي الصَّفِّ!
- ٣) الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ لَا يُعْرِضُ نَفْسَهُ إِلَى مَوَاضِعِ التُّهْمِ!
- ٤) سَأَلْتُ مُعَلِّمِي سَوَالًا قَدْ فَكَّرْتُ عَنْهُ مِنْ مُدَّةٍ!

### ٤٠- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ « الحصر »:

- ١) لَا يُبَيِّنُ الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ إِلَّا الرُّسُلَ الْمُبَشِّرُونَ!
- ٢) مَا أَقَامَ الْوَجْهَ لِلدِّينِ حَنِيفًا إِلَّا مَنْ لَا يَكُونُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ!
- ٣) مَا حَمَلَ الْفَأْسَ لِكَسْرِ الْأَصْنَامِ إِلَّا مَنْ أَطْمَأَنَّنَ بِعَمَلِهِ!
- ٤) لَا يَتَعَلَّمُ الدَّرْسَ أَحَدٌ إِلَّا الَّذِي كَانَ مِنَ الْمُسْتَمْعِينَ!

### ٤١- عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى يَخْتَلِفُ:

- ١) لَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِنَا إِلَّا دُمُوعُ الْفَرَحِ! (٢) لَا يُحْمَلُنَا اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا مَا لَنَا طَاقَةٌ بِهِ!
- ٣) كَانَ النَّاسُ يَمْشُونَ بِسُرْعَةٍ إِلَّا مَنْ فِي رِجْلِهِ أَمٌّ! (٤) ذِكْرِيَاتِي مِنْ أَيَّامِ سَفَرِي كُلِّهَا جَمِيلَةٌ إِلَّا وَاحِدَةً مِنْهَا!